

## کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه «کنش گفتاری»

الخاص ویسی\*

غلامحسن اورکی\*\*

### چکیده

قرآن کریم که سرچشمه معارف بشری است، از جملات استفهامی (پرسشی) به عنوان یکی از پرکاربردترین و رساترین شیوه‌های بیان حقایق، آگاهی‌دادن به مخاطبان و اقناع آنان بهره جسته است. ساختار استفهام و کاربرد آن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون بوده است. پژوهش حاضر برآن است کارکرد نظریه «کنش گفتاری» جان آستین را در شناساندن نقش‌های معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم از متن عربی آن در نیمه دوم (۱۵ جزء دوم، از آیه شریفه ۷۵ سوره کهف تا پایان سوره مبارکه ناس) ارزیابی کند. برای دستیابی به این هدف، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خداوند حکیم با بهره‌گیری از قابلیت‌های زبانی در زمینه القای اندیشه‌های متعالی، تأثیر و تقویت کلام وحی در ذهن و اندیشه مخاطبان و ایجاد آمادگی ذهنی آنان برای فهم آموزه‌های اخلاقی قرآن از قالب استفهام با کارکردهای گوناگون از قبیل انکار، نفی، نهی، تحقیر، ترغیب و تهدید به‌طور حکیمانه بهره جسته است.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، آستین، کنش گفتاری، توان منظوری، استفهام.

\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

## ۱. مقدمه

در زبان‌های بشری، جملات دستوری متنوعی وجود دارد که هر یک از آنها، در نقش‌های معنایی - منظوری گوناگونی به کار می‌رود. از این میان می‌توان به چهار نوع جمله خبری، پرسشی، امری و تعجیبی اشاره کرد که تقریباً در همه زبان‌های دنیا وجود دارند و به ترتیب برای بیان خبر، کسب آگاهی، صدور فرمان و بیان شگفتی به کار می‌روند. نتایج پژوهش‌های زبان‌شناختی حاکی از آن است که در برخی موارد این جملات در نقش معنایی - منظوری اولیه خود به کار نمی‌روند؛ بنابراین رابطه مستقیمی میان صورت دستوری یا ساختار نحوی و کارکرد معنایی - منظوری آنها برقرار نمی‌شود. چنین جملاتی را کنش گفتاری غیرمستقیم (Indirect speech act) می‌گویند. با نگاهی عمیق‌تر نیز می‌توان دریافت که اندیشه‌های بشری، بیشتر بر مبنای جملات پرسشی شکل می‌گیرد. دلیل این امر را در تأثیرگذاری این نوع جملات باید جستجو کرد. در واقع جملات استفهامی یکی از متداول‌ترین مقولات دستوری در زبان‌های بشری هستند که در طبقه جملات انشایی قرار گرفته، غرض اصلی آنها در زبان، طلب آگاهی و اطلاع است؛ اما توجه بیشتر پژوهشگران علوم بلاغت و زبان شناسی به کنش یا توان منظوری ( Illocutionary act or force) و کارکرد ثانوی این نوع جملات بوده است.

مطالعه استفهام در حوزه‌های علمی متعدد پیشینه‌ای دیرین دارد که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود. قرآن کریم که سرچشمه معارف بشری است نیز از جملات استفهامی به عنوان یکی از کارآمدترین و رساترین شیوه‌های بیان حقایق و آگاهی‌دادن به مخاطبان و اقناع آنان بهره جسته است. هدف این پژوهش، بررسی زبان‌شناختی نقش‌های معنایی و توان منظوری جملات استفهامی (پرسشی) در کتاب آسمانی قرآن کریم در چارچوب «نظریه کنش گفتاری» (Speech act theory) جان آستین (J.L. Austin) است. مسئله تحقیق این است که استفهامات قرآنی در چه کارکردهای معنایی و با چه توان منظوری به کار رفته‌اند؟ مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا نظریه کنش گفتاری می‌تواند در درک و فهم توان منظوری جملات استفهامی قرآن ما را یاری کند. این پژوهش

از جهاتی چند اهمیت فراوان دارد؛ نخست آنکه شناخت کارکردهای مختلف معنایی و توان منظوری جملات استفهامی در قرآن به فهم و درک جنبه‌ای دیگر از سطوح ساختارمعنایی چندوجهی قرآن کمک می‌کند. دیگر آنکه این تحقیق می‌تواند با کمک به معناشناسی قرآن، زمینه انجام پژوهش‌های مرتبط را در دیگر متون دینی فراهم سازد و در نهایت، انجام چنین پژوهشی می‌تواند یکی دیگر از جنبه‌های اعجاز متن کتاب آسمانی قرآن را برای همگان آشکار سازد.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. مطالعات بلاغی استفهام

در مطالعه تاریخچه نظریات مطرح شده در باب استفهام می‌توان گفت که این مبحث قدمت دیرینه‌ای دارد. سنت بلاغت با پشتوانه وسیعی از کتب و رسالات با معرفی فنون خاص در راستای تقویت مهارت کاربرد زبان با هدف متقاعد ساختن مردم، به عنوان بخشی از سنت آموزشی بوده که از دوران باستان و با گذر از قرون وسطی به روزگاران اخیر رسیده است و از دیدگاه امروزی می‌توان فنون مقاله‌نویسی و سخنوری را از جمله فنون بلاغت به شمار آورد که در کاربردشناسی زبان مورد بحث قرار می‌گیرند (گیررتس، ۱۹۵۵، ص ۳۷). اسلوب استفهام در علوم متعدد از جمله علم بلاغت جایگاه ویژه‌ای دارد. در سنت مطالعات بلاغی، علم بلاغت دارای سه شاخه معانی، بیان و بدیع است که تاریخ شکل‌گیری آن در ایران به قرن دوم هجری بازمی‌گردد. از پایه‌گذاران آن می‌توان به *عبدالقاهر جرجانی* (متوفای ۴۷۱ یا ۴۷۲ق) اشاره کرد.

در زمینه بررسی اغراض ثانوی استفهام در شعر و ادبیات مقالاتی نوشته شده است. *بهرروز* (۱۳۵۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «ادوات و اغراض استفهام در زبان فارسی» با بیان ادوات و اغراض ثانوی استفهام به این نتیجه رسیده است که در زبان فارسی ساختمان ظاهری جملات استفهامی با غیراستفهامی تفاوت چندانی ندارد و تنها تفاوت میان آنها را در استفاده جملات پرسشی از ادوات استفهام دانسته است.

رحیمیان و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در شاهنامه» به تنوع کاربرد مقولات معنایی- منظوری پرسش در شاهنامه اشاره کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فردوسی از قالب استفهام در بیان ۳۶ مورد کارکرد متفاوت معنایی- منظوری بهره جسته است.

رحیمیان و همکاران (۱۳۸۱) بر پایه پژوهشی تحت عنوان «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ» با بررسی ۳۶۶ بیت از غزلیات حافظ به کاربردهای معنایی متعدد جملات پرسشی در شعر حافظ دست یافته و برای هر کاربرد معنایی، شواهدی آورده‌اند.

در باب مطالعات مربوط به استفهامات قرآنی در حوزه علم بلاغت نیز آثاری تألیف شده است. عبدالرؤف در کتاب سبک‌شناسی قرآن کریم (عبدالرؤف، ۱۳۹۰، ص ۵۴) به جملات سؤالی نیز اشاراتی کرده است. حسینی (۱۳۹۱) در یک پژوهش با موضوع «استفهام قرآنی از نگاه مصادر علوم ادبی» اسلوب استفهام را به عنوان یکی از وجوه اعجاز بلاغی قرآن در نظر گرفته و استفهامات قرآنی را به دو دسته استفهام حقیقی و غیرحقیقی (بلاغی) تقسیم نموده و برای هر دسته، شواهد قرآنی ارائه داده است.

برومند و دیگران (۱۳۸۴) نیز در یک بررسی بلاغی دیگر از استفهام، مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی پرسشگری در قرآن کریم با تأکید بر اهم معانی استفهام» نوشته‌اند. در این مقاله نویسندگان ضمن توجه به اهمیت پرسشگری در قرآن، در باب ریشه پرسش‌های قرآن بیان می‌دارند که گاه بی‌اطلاعی سائل (پرسشگر) موجب طرح سؤال اوست که شامل پرسش‌های حقیقی در قرآن می‌شود و در مواردی سائل به مطلبی علم دارد؛ ولی اهداف دیگری دارد که شامل پرسش‌های غیرحقیقی (بلاغی) است و در ادامه برای هر دسته از پرسش‌های قرآنی، شواهدی ذکر کرده‌اند.

## ۲-۲. مطالعات زبان‌شناختی استفهام

زبان‌شناسان در حدود قرن بیستم «زبان را به عنوان نظامی صوری یا منطقی برای بیان یافته‌های علمی مورد مطالعه و به اهمیت عوامل برون‌زبانی در تعیین معنا تأکید کرده‌اند»

(یول، ۱۹۹۶، ص ۱۱). یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، کاربردشناسی (Pragmatics) است که با مطالعه معنا بر پایه تحلیل منظور افراد سروکار دارد. در رویکرد کاربردشناسی به قرآن، بیش از آنکه به واژگان، معانی آنها و نوع ارتباطات نحوی بین آنها پرداخته شود، بر ویژگی‌های متکلم و مخاطب، شرایط گفتگو و بافت حاکم بر آن تأکید می‌شود.

بر پایه نظریه کنش گفتاری آستین (۱۹۶۲) گویشوران سه نقش را هنگام استفاده از زبان شکل می‌دهد: الف) نقش گزاره‌ای که بیانگر معنای ظاهری گفتار است؛ ب) نقش غیرگزاره‌ای که مفاهیمی از قبیل خبردادن، پیشنهاد و گرفتن اجازه را بیان می‌کند. این نقش اغراض ثانوی کارگفت‌ها را نشان می‌دهد؛ ج) نقش تأثیری یا انتاجی؛ یعنی تأثیری که گوینده با استفاده از جمله بر شنونده می‌گذارد این تأثیر تحت کنترل گوینده کلام نیست و ممکن است منظور گوینده با نتیجه حاصل از کاربرد کلام متفاوت باشد.

سرل (۱۹۷۹) در زمینه کنش گفتاری بیان می‌دارد که هر فرد می‌تواند دست‌کم سه عمل را هنگام صحبت ارائه دهد که عبارت‌اند از: الف) کنش گفتاری؛ ب) کنش موضوعی؛ ج) کنش بیانی (Locutionary act).

لویسون (لویسون، ۱۹۸۳، ص ۱-۵۳) به‌طورگسترده و با تکیه بر نظریات صاحب‌نظران زیادی به مبحث منظورشناسی پرداخته و معتقد است ارائه تعریفی جامع از منظورشناسی به‌آسانی ممکن نیست. وی با توجه به گستردگی ابعاد گوناگون معنا می‌گوید که یک نظریه معنایی به‌تنهایی قادر به بررسی تمام جنبه‌های معنایی زبان نیست.

لارسن (لارسن، ۱۹۸۴، ص ۱۹۶) می‌گوید به هر حکمی باید از دو جنبه نگریست: نخست معنای ارجاعی و دیگر موقعیتی که جمله در آن به کار می‌رود. از دیدگاه توماس (توماس، ۱۹۹۵، ص ۱) منظورشناسی یعنی «معنا در کاربرد» یا «معنا در بافت».

هلمز (هلمز، ۱۹۹۳، ص ۲۴۵) بیان می‌دارد که زبان با توجه به کاربردش و همچنین موقعیت، فرهنگ و روابط اجتماعی گویشوران تفاوت می‌کند. بر پایه دیدگاه هادلستون (۱۹۸۸) پژوهش‌های زبانی مؤید آن است که در اغلب موارد برای بیان سؤال از مقوله دستوری پرسش و برای بیان فرمان از مقوله دستوری امر استفاده می‌شود.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه «کنش گفتاری» انجام گرفته است. طرح این نظریه توسط جان لاینگ شو آستین، فیلسوف انگلیسی از مکتب آکسفورد در سال (۱۹۶۲) با انتشار کتاب چگونه با واژه‌ها کار انجام می‌دهیم (How to do things with words) صورت گرفت. وی در قبال رویکرد منطقیون اثبات‌گرا (Logical Positivists) نسبت به معنا واکنش مخالفی نشان داده، معتقد است از طریق ساخت نحوی جملات نمی‌توان به نقش آنها پی برد. آستین کاربردهای متفاوت زبان را تحت عنوان «کارگفت» (Speech act) طرح و «فرضیه کنشی» (Performative Hypothesis) را برای تمایز میان جملات کنشی از سایر جملاتی که برای انتقال اطلاعات به کار می‌روند، ارائه کرده است. بر اساس این فرضیه جملاتی که صدق و کذب آنها قابل تعیین است، جملات بیانی و جملاتی که در بافت کاربردی مناسب یا نامناسب تشخیص داده شوند، جملات کنشی نامیده می‌شوند. آستین معتقد است هرگاه میان ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را «کنش گفتاری مستقیم» (Direct speech act) و هرگاه ارتباط بین ساختار نحوی جمله و کارکرد آن، غیرمستقیم باشد، «کنش گفتاری غیرمستقیم» (Indirect speech act) نامیده می‌شود؛ بنابراین جمله خبری اگر برای بیان گزاره‌ای به کار رود، کنش گفتاری مستقیم است؛ ولی اگر به عنوان درخواست به کار رود، کنش گفتاری غیرمستقیم خواهد بود. در چارچوب این نظریه، در هر موقعیتی، عملی که با تولید یک پاره‌گفتار بیان می‌شود، دربردارنده سه نوع کنش مرتبط به هم است:

الف) کنش بیانی: به منزله کنش اساسی پاره‌گفت یا تولید کلام معنادار به شمار می‌آید و حاصل بیان مجموعه‌ای از واژگان به همراه معانی صریح آنها اعم از مفهوم و مصداق است.

ب) کنش منظوری یا توان منظوری: هدف تولید کارگفت است که از طریق توان ارتباطی آنها صورت می‌گیرد و شامل کارکردهایی از قبیل اظهار، پیشنهاد و قول است که با تولید یک پاره‌گفت در نظر داریم. معمولاً اصطلاح «کارگفت» به همین کنش برمی‌گردد. ج) کنش تأثیری: (Perlocutionary act /Effect) در حقیقت پیامد گفتار است؛ به عبارت دیگر شامل تأثیر کارگفت بر مخاطب و واکنش اوست؛ مثلاً اگر گوینده با بیان جمله «فرار کن!» قصد دارد مخاطب را به فرار کردن ترغیب کند، ممکن است مخاطب نسبت به این پاره‌گفت واکنش‌های متفاوت دیگری از خود نشان دهد؛ یعنی از ترس بهت‌زده شود یا با دستپاچگی به سمت منبع خبر بدود؛ بنابراین گاهی اوقات کنش تأثیری ممکن است چیزی باشد که گوینده کارگفت انتظار آن را نداشته است.

بر پایه پژوهش‌های زبان‌شناسی می‌توان ارتباط میان جملات دستوری و نقش‌های معنایی - منظوری مرتبط با آنها را در حالت بی‌نشان در جدول زیر نشان داد:

جدول ۱: ارتباط میان جملات دستوری و نقش معنایی - منظوری آنها

نقش‌های معنایی - منظوری	جملات دستوری
خبر	جمله خبری
سؤال	جمله پرسشی
فرمان	جمله امری
تعجب	جمله تعجبی

اگرچه بر اساس جدول بالا، ارتباط میان جملات دستوری و کارکرد منظوری آنها به‌طور مستقیم است، همواره ارتباط میان این دو دسته مقوله‌ها در دو ستون، ارتباطی یک به یک و مستقیم نیست؛ به عبارت دیگر گاهی اوقات در زبان روزمره، برای صدور فرمان، به جای کاربرد جمله امری از جمله پرسشی استفاده می‌کنیم؛ مانند نمونه زیر: «یک لیوان آب به من می‌دهی؟».

جمله بالا از نظر ساختار دستوری بر اساس جدول شماره ۱ جمله پرسشی است؛ اما ممکن است کارکرد معنایی یا توان منظوری آن متفاوت باشد؛ یعنی بیانگر فرمان نیز باشد؛ یعنی «یک لیوان آب به من بده».

در واقع ما پاره‌گفتارهایی را که با قواعد دستوری زبان مطابق هستند، بدون هدف و منظوری خاص تولید نمی‌کنیم؛ بلکه با تولید یک پاره‌گفتار، کارکردی را نیز برای آن در نظر داریم. این کارکرد، کنش منظوری نام دارد. کنش منظوری به عنوان نوآوری اصلی و مهم آستین عبارت است از بیان پاره‌گفتارهایی که توان منظوری خاصی مانند آگاه‌کردن، دست‌درآوردن و هشداردادن را دارند. معنایی که گوینده قصد دارد با انجام کنش منظوری به شنونده منتقل کند، توان منظوری نامیده می‌شود. انجام کنش منظوری از طریق توان ارتباطی پاره‌گفتار صورت می‌گیرد.

بر این پایه می‌توان به نقش‌های ثانوی یا دیگرکارکردهای معنایی - منظوری جملات در زبان پی برد. امروزه تحقیقات زیادی در تحلیل ساختار متون با پشتوانه نظریه کنش‌گفتاری صورت گرفته است. اخیراً پژوهشگران حوزه علوم دینی و قرآنی نیز از این نظریه در نگارش آثار خود بهره جسته‌اند. از آنجاکه ساختار متن «قرآن» به دلیل چندلایه‌ای بودن آن، سرشار از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است، درک درست آیات این کتاب آسمانی، نیازمند دانش‌هایی است که به فهم آیات آن کمک شایانی کند. همین ویژگی متن قرآن سبب شده است در هر عصری پژوهشگران به پشتوانه نظریات جدید علمی به تتبع در آن بپردازند. به‌کارگیری این چارچوب نظری در تحلیل ساختار متن قرآن نیز می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات مربوط به فهم تعبیر زبانی و ابعاد پنهانی ساختارهای مفهومی قرآن باشد و در نهایت به معناشناسی قرآن کمک مؤثری نماید. در همین راستا نگارنده در این پژوهش بر آن است، با تکیه بر نظریه کنش‌گفتاری آستین به بررسی کارکرد های معنایی - منظوری جملات استفهومی در کتاب آسمانی قرآن کریم بپردازد.



اگرچه تحقیقاتی در باب اهم معانی استفهام با تکیه بر علوم بلاغی یا تفاسیر قرآنی شیعه و سنی انجام شده است، پژوهش حاضر را می‌توان نخستین مطالعه زبان‌شناختی استفهامات قرآنی در چارچوب نظری فوق در نظر آورد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توسعه‌ای است. نتایج آن می‌تواند در تحلیل شناختی ساختار معنایی قرآن و کشف مفهوم‌سازی‌های آن، افق‌های نوی را فراروی مفسران قرار داده، به معنای شناختی قرآن کمک نماید. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود؛ به این ترتیب که نگارنده پس از مطالعه و بررسی آثار صاحب‌نظران به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای در باب «نظریه کنش گفتاری آستین» بر آن است تا با بهره‌گیری از قرآن کریم به عنوان منبعی پربار برای گردآوری و تحلیل داده‌ها کارکرد این نظریه را در شناساندن نقش‌های معنایی و توان منظوری جملات استفهامی این کتاب آسمانی از متن عربی آن در نیمه دوم (۱۵ جزء دوم، از آیه شریفه ۷۵ سوره کهف تا پایان سوره مبارکه ناس) ارزیابی کند. نگارنده در انتخاب نیمه دوم قرآن به عنوان دامنه پژوهش دلایلی را مد نظر داشته است؛ نخست اینکه نودوشش سوره از سور قرآنی در این محدوده است و همین گستردگی داده‌های قرآنی، زمینه سنجش دقیق‌تری را برای چارچوب نظری پژوهش حاضر فراهم می‌کند. دیگر اینکه بیشتر پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن در محدوده نیمه نخست (پانزده جزء اول) انجام شده است.

قابل ذکر است که حفظ اصالت تعابیر قرآنی مبنای کار نگارنده در تحلیل داده‌های پژوهش می‌باشد؛ چراکه به اعتقاد پژوهشگران علوم قرآنی تعابیر قرآن کریم بر سیاق خاصی مفهوم‌سازی شده‌اند و ساختار مفهومی آنها با تعابیر زبانی متون دیگر متفاوت است. در ادامه برای هر کارکرد معنایی و توان منظوری استفهامات قرآنی، یک یا دو آیه به عنوان شواهد پژوهش آورده شده است. در تعیین اغراض ثانوی جملات استفهامی از تفاسیر و کتب دینی معتبر نیز بهره گرفته شده است؛ اما به منظور رعایت تناسب مقاله و پرهیز از اطناب کلام از ذکر اقوال متعدد مفسران در باب تفسیر آیات استفهامی خودداری شده است.

و تنها به ذکر توضیحات آن قدر که به حصول نتیجه بینجامد، بسنده شده است. در مواردی تنها بخشی از یک آیه دربرگیرنده استفهام بوده است که در این گونه موارد بخشی را که شامل استفهام می‌شود، به صورت زیرخط‌دار مشخص شده است.

از جمله محدودیت‌های پیش روی این تحقیق، کثرت جملات استفهامی قرآن و نقش‌های معنایی- منظوری برخاسته از آنان است که خارج از ظرفیت پژوهش است. نگارنده با نظر به این محدودیت در حدّ توان پژوهش و تأمین هدف آن به گزینش داده‌ها از نیمه دوم قرآن پرداخته و از میان نقش‌های معنایی- منظوری برخاسته از این گونه استفهام‌ها به بیان تعدادی از آنها به تناسب ظرفیت این مقاله اشاره و بررسی بیشتر این موضوع را برای پژوهندگان آینده، به عنوان مطالعات بعدی پیشنهاد می‌کند.

### ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

چنان‌که گفته شد، غرض اصلی استفهام، طلب فهم و آگاهی از امری مجهول و ناشناخته است؛ اما نگارنده بر پایه چارچوب نظری پژوهش، به دنبال شناسایی نقش‌های معنایی- منظوری جملات استفهامی قرآن کریم بوده است. این مقاله نخستین کار پژوهشی است که با نگاهی زبان‌شناختی به تحلیل و توصیف انواع کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی موجود در آیات الهی می‌پردازد، با اطلاع از اینکه پژوهندگان متقدم و متأخر علم بلاغت نیز در مطالعات خود به اغراض ثانوی استفهام اشاره و آنها را تحت عناوینی خاص دسته‌بندی نموده‌اند. به منظور رعایت تناسب حجم مقاله و پرهیز از اطناب کلام، در این بخش به تحلیل و بررسی تعدادی از آیات استفهامی قرآن در چارچوب نظری پژوهش پرداخته و کارکردهای معنایی- منظوری برخاسته از آنها ارائه می‌گردد. همچنین در راستای تکمیل توضیحات مربوط به آیات استفهامی از کتب تفسیری ترجمه المیزان، نمونه، ترجمه مجمع‌البیان و تفسیر جامع به میزان تأمین هدف پژوهش، بهره گرفته شده و در نهایت برای انواع کارکردهای معنایی- منظوری جملات استفهامی قرآن، شواهدی از شعر فارسی نیز آورده شده است.

۵-۱. انکار: یکی از کارکردهای معنایی - منظوری آیات استفهامی قرآنی است که آیات مربوط به این نوع کارکرد از نظر ساختار دستوری پرسشی‌اند؛ اما مقصود حق تعالی از طرح چنین استفهام‌هایی، کسب آگاهی یا خبر از یک امر مجهول نبوده است؛ بلکه در حقیقت مراد از این گونه آیات، انکار نفی مؤکد است؛ به عبارت دیگر خداوند آگاه به نهان و آشکار امور هستی برای انکار مطلب مورد نظرش از قالب استفهامی بهره جسته است؛ یعنی علاوه بر انکار، مخاطب را از آن نهی می‌کند.

۵-۱-۱. انکار ابطالی: از موارد دیگر توان منظوری جملات استفهامی قرآن است که هدف سائل در حقیقت انکار و ابطال محتوای سؤال است. مصداق این کارکرد معنایی - منظوری، آیه شریفه زیر است:

«قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَادِقَاتُكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنتُمْ مُجْرِمِينَ: مستکبران به مستضعفان گویند آیا ما شما را از هدایتی که سراغ شما آمد، بازداشتیم چنین نیست، بلکه خودتان گناهکار بودید» (سبأ: ۳۲).

مستکبران در پاسخ به مستضعفان می‌گویند: آیا ما شما را از طریق هدایت بازداشتیم بعد از آنکه هدایت سراغ شما آمد و به قدر کافی اتمام حجت شد و پیامبران گفتنی‌ها را گفتند؟ نه ما مسئول نیستیم، بلکه خود شما گناهکار بودید که با داشتن آزادی اراده تسلیم سخنان بی‌اساس ما شدید، به کفر و الحاد روی آوردید و سخنان منطقی انبیا را به دست فراموشی سپردید (بَلْ كُنتُمْ مُجْرِمِينَ). بدیهی است مستکبران نمی‌توانند پاسخی از این سخن داشته باشند و شرکت خود را در این جرم بزرگ انکار کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۰۱-۱۰۲).

همان‌طور که از این آیه برمی‌آید، دلیل گمراهی مستضعفان در یافتن صراط مستقیم و هدایت، مخالفت مستکبران نبوده است و این انکار مورد تأکید واقع شده است و برای برانگیختگی ذهنی مخاطبان در قالب یک جمله استفهامی با توان منظوری انکار یا عدم قبول مطلب مورد نظر در این آیه بیان شده است.

نمونه این کارکرد منظوری در شعر فارسی:

بدین آلت رای و جان و روان ستود آفریننده را کی توان (فردوسی)  
۵-۱-۲. انکار به همراه توبیخ: «قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ. ابراهیم گفت: آیا رواست که شما چیزی به دست خود بتراشید و آن را پرستش کنید» (صافات: ۹۵).

این جمله استفهام است که به معنای انکار و نکوهش می‌باشد؛ یعنی چگونه انسان عبادت کند چیزی را که خود، آن را به دست خود تراشیده و ساخته است؛ چه آنان بتها را با دست خود تراشیده و می‌ساختند: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ: خدا آفریده است شما و آنچه را که می‌سازید» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱، ص ۱۷).

توان منظوری آیه شریفه فوق نیز سرزنش مخاطبان از پرستش بتان دست‌ساخته بشر است و هدف خداوند از طرح این استفهام، کسب پاسخ حقیقی از طرف مخاطبان آن نیست، بلکه انکار توأم با سرزنش مخاطبان در پرستش غیر اوست. همین نقش معنایی - منظوری را نیز می‌توان در این بیت شعر حافظ مشاهده کرد:

باده در ده چند از این باد غرور خاک بر سر نفس نافرجم را ؟  
۵-۱-۳. انکار به همراه استعجاب: «وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْ أُنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا: [و کافران به معاد] گفتند: آیا ما چون استخوان پوسیده و غبار پراکنده شویم باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد» (اسراء: ۴۹).

ابن عباس می‌گوید: رفات یعنی غبار و مجاهد می‌گوید: یعنی خاک. مقصود این است که منکران قیامت می‌گفتند: آیا پس از آنکه مردیم و گوشت بدن ما متلاشی شد و استخوان و خاک شدیم، بار دیگر از نو آفریده خواهیم شد؟ این جمله، به صورت استفهام و مقصود، انکار قیامت است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۵۱).

مهم‌ترین کارکرد معنایی یا توان منظوری استفهام آیه فوق، انکار معاد و بعیددانستن آن توسط مشرکان است؛ زیرا خیال می‌کردند مرگ، نابودی است و امکان بازگشت دوباره انسان به زندگی وجود ندارد.

نمونه‌های زیر در شعر فارسی از مصادیق این نوع کاربرد معنایی - منظوری هستند

چه نسبت است به رندی صلاح و تقوا را سماع وعظ کجا نغمه رباب کجا؟  
(حافظ)

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟  
(حافظ)

۲-۵. نفی: در این گونه استفهام‌های قرآنی با این نقش معنایی هدف سائل از طرح سؤال، نفی محتوای مطرح شده است. تفاوت این نوع آیات استفهامی با نمونه قبلی در این است که در حالت انکاری، سائل به صورت موکد محتوای مورد نظر را نفی می‌کند؛ اما در این مورد پرسشگر به دنبال نفی مفهوم مطرح شده است و معنای متناقض آن را در نظر دارد. آیه شریفه زیر از مصادیق این نوع کارکرد معنایی - منظوری است:

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ: آیا جزای نیکوکاری، جز نیکوکاری است» (رحمن: ۶۰).  
«هل» در این آیه، برای استفهام انکاری است و در حقیقت این آیه دلیلی است برای آیات پیشین که سخن از نعمت‌های شش‌گانه بهشتیان می‌گفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۱۷۱).

این نوع کاربرد معنایی - منظوری را می‌توان در شعر فارسی زیر ملاحظه نمود:

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را؟  
(حافظ)

۳-۵. نهی: از دیگر کارکردهای معنایی و توان منظوری استفهامات قرآنی است که خالق وحی الهی با لحنی سرزنش‌آمیز، مخاطبان را از انجام یا ادامه عملی باز می‌دارد؛ به عبارت روشن‌تر در این نوع کارکرد استفهام، مقصود واقعی پرسشگر، بازداشتن مخاطب از انجام عملی است. توان منظوری این نوع استفهام‌های قرآنی، انتظار انجام یا ترک عملی است. از مصادیق این کارکرد معنایی - منظوری می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

«أَجْعَلِ لِلْأَلْهَةِ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ: آیا خدایان [متعدد] را خدای واحدی قرار داده است، این واقعاً چیز عجیبی است (ص: ۵).

جمله «آیا قرار داد خدایان را خدای واحدی» استفهام انکاری و سخن اعجاب‌آمیز است و به این جهت است که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> عبادت خدایان ایشان را در مقابل عبادت خداوند باطل کرده بود و آنان را به عبادت خداوند یکتا دعوت می‌کرد و لذا ایشان تعجب می‌کردند از این سخن و می‌گفتند: چگونه برای ما یک خدا قرار داد، پس از آنکه خدایان متعددی را عبادت می‌کردیم (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱، ص ۷۲).

نمونه‌های این نوع کارکرد معنایی و توان منظوری جملات پرسشی را می‌توان در اشعار فارسی زیر یافت:

نه اندر هوا باشد او را نبرد      چه داری دلت را به تیمار و درد؟

(فردوسی)

مگذران روز سلامت به ملامت حافظ      چه توقع ز جهان گذران می‌داری؟

(حافظ)

۴-۵. **توییح:** یکی دیگر از کارکردهای معنایی- منظوری آیات استفهامی قرآن است که سائل با طرح چنین استفهامی به دنبال پاسخ از طرف مخاطبان نیست؛ بلکه با لحنی سرزنش‌آمیز آنان را مورد عتاب قرار داده، نکوهش می‌کند. هرچند مطلب به صورت استفهامی بیان می‌شود، منظور گوینده توییح و سرزنش مخاطب است.

آیات شریفه زیر این نوع نقش معنایی- منظوری را بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْأَكْرَبِمْ: هان ای انسان چه چیزی تو را در حق پروردگار بخشنده‌ات غره کرد (انفطار: ۶).

در این آیه به آدمی خطاب می‌کند که ای انسان غافل چه باعث شد که به خدای کریم و بزرگوار خود مغرور گشتی؟ چون پیغمبر<sup>(ص)</sup> آیه را تلاوت می‌نمود، می‌فرمود: جهل و نادانی انسان به خدای خود، او را فریفت و مغرور کرد و فرمود روز قیامت خداوند تبارک و تعالی به بنده خود گوید: ای فرزند آدم چه مغرور کرد تو را به من، چه کردی با آن علم و دانشی که به تو عطا کردم و جواب پیغمبران مرا چه دادی؟ چنین نیست که شما کافران گمان می‌کنید و روز جزا و قیامت را تکذیب و پیغمبر و امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را دروغ

می‌پندارید؛ البته نگهبانانی از فرشتگان مأمورند بر مراقبت احوال و اعمال شما و آنها اعمال حسنات و سیئات شما را می‌نویسند (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۵۸).

«أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ: آیا [خداوند] دختران را بر پسران ترجیح داده است» (صافات: ۱۵۳). در این آیه انکار انتخاب دختران بر پسران را تکرار کرده است تا شدت شناعت و زشتی این سخن را افاده کند. یک بار فرمود: آیا خدا دختران را بر پسران ترجیح داده که خودش تنها دختر بزاید و پسرزاییدن را به شما واگذار کند؟ و بار دیگر فرمود: آخر این چه حکمی است که می‌کنند؟ و بار سوم فرمود: راستی نمی‌خواهید متذکر شوید؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷ ص ۲۶۴).

کارکرد معنایی - منظوری آیات فوق توییح و نکوهش مخاطب است و در این آیات استفهامی مخاطبان مورد سؤال واقع نمی‌شوند، بلکه مراد سرزنش و توییح آنان است. نمونه‌های این نقش معنایی در شعر فارسی:

اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟ (فردوسی)  
این بود بلندی کلاهت؟ شمشیرکشدن سپاهت؟ (نظامی گنجوی)

۵-۵. تحقیر: از دیگر موارد توان منظوری استفهام‌های قرآنی است. در این نوع آیات استفهامی، یک مطلب یا موضوع در قالب جمله پرسشی با هدف تحقیر بیان می‌شود:

«وَإِذَا رَأَوْكَ إِِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا: چون تو را می‌دیدند جز به ریشخندت نمی‌گرفتند [و می‌گفتند] آیا این همان کسی است که خداوند به پیامبری برانگیخته است» (فرقان: ۴۱). نمونه دیگری از منطوق مشرکان و کیفیت برخورد آنها با پیامبر اسلام و دعوت راستین او در این آیه است. هنگامی که سران کفر، منافعشان به خطر افتاد با سخریه و استهزا، مسئله دعوت پیامبر<sup>(ص)</sup> را با آن همه شواهد و ادله گویا به باد مسخره گرفتند و حتی او را متهم به جنون کردند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۹۹).

توان منظوری استفهام آیه فوق تحقیر بعثت پیامبر، توسط مشرکان است. نمونه این نوع کارکرد در شعر فارسی:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم؟ لطف‌ها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

(حافظ)

۵-۶. **تهدید یا ترسانیدن:** یکی دیگر از کارکردهای معنایی - منظوری آیات استفهامی قرآن است که سائل با طرح چنین استفهامی به دنبال پاسخ نیست؛ بلکه در واقع مخاطبان را تهدید می‌کند. بر اساس رویکرد کنش گفتاری آستین استفهام موجود در آیات ذیل بیانگر این نوع کارکرد معنایی - منظوری است:

«أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ: آیا ما پیشینیان را [به کیفر کفر] هلاک نکردیم؟ سپس به دنبال آنان دیگران را هم [به سبب تکذیبشان] هلاک می‌کنیم (مرسلات: ۱۶).

«معنای آیه این است که ما تکذیب‌گران را که در امت‌های اولین بودند، هلاک کردیم و سپس ما امت‌های دیگر را به دنبال آنان هلاک می‌کنیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۴۶).  
«الْحَاقَّةُ \* مَا الْحَاقَّةُ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ: حاقه، حاقه چیست؟ و چه دانی حاقه چیست؟ قوم ثمود و عاد درهم‌کوب [قیامت] را دروغ انگاشتند (حاقه: ۱-۳).

حاقه نامی است از نام‌های قیامت و حاقه نامیده شده برای آنکه حق است و درست و در او کارهای حقیقت و حق واقع می‌شود؛ چه جزای اعمال بر حق واجب است (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۹).

براساس رویکرد کنش گفتاری آستین مهم‌ترین نقش معنایی و توان منظوری آیات استفهامی فوق، تهدید مخاطبان است تا طریق حق پیموده، گمراه نشوند و در صورت انحراف از مسیر حق، در قالب پرسش با زبان تهدید، عاقبت کار را برای آنان بازگو می‌کند. نمونه آن در شعر فارسی:

فراموش کردی تو سگری مگر      کمند و بر مرد پرخاشخر؟ (فردوسی)

۵-۷. **ترغیب و تشویق:** در آیات استفهامی با این نوع کارکرد معنایی، خداوند متعال در قالب استفهام، مخاطبان وحی را به حرکت در مسیر حق ترغیب می‌کند. آیه شریفه زیر بیانگر این نقش معنایی است:



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ: ای مؤمنان آیا شما را به داد و ستدی رهنمون شوم که شما را از عذاب دردناک می‌رهاند (صف: ۱۰).

«استفهام در این آیه جنبه پیشنهادی دارد که در معنای امر است. کلمه «تجارة»- آن‌گون که راغب گفته است- به معنای تصرف در سرمایه به منظور به‌دست‌آوردن سود است و در کلام عرب به غیر از این کلمه، هیچ کلمه‌ای نیست که بعد از حرف «تا» حرف «جیم» آمده باشد. در این آیه شریفه ایمان و جهاد تجارت به حساب آمده که سرمایه‌اش جان آدمی و ربح آن نجات از عذاب دردناک است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۳۷).

این نوع کارکرد معنایی و توان منظوری را در شعر فارسی زیر می‌توان ملاحظه نمود:

دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات؟ مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش

(حافظ)

۵-۸. **عدم تسویه و برابری:** بر اساس چارچوب نظری تحقیق، در این کارکرد معنایی- منظوری نیز هدف خداوند آگاه به همه امور هستی، کسب اطلاع و دریافت پاسخ از طرف مخاطبان نبوده است؛ بلکه عدم تساوی بین دو عمل را در قالب استفهام برای مخاطبان یادآوری می‌کند:

«أَمَّنْ هُوَ قَائِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ: آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است، بهتر است یا آن کس که ساعات شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟ منحصرأ خردمندان متذکر می‌شوند (زمر: ۹).

گرچه سؤال فوق وسیع و گسترده و مقایسه‌ای است آشکار میان آگاهان و ناآگاهان و عالمان و جاهلان، ولی نظر به اینکه پیش از ذکر این پرسش، سؤال دیگری در مورد نابرابری مشرکان با مؤمنان شب‌زنده‌دار مطرح شده، سؤال دوم بیشتر به همین مسئله اشاره

می‌کند؛ یعنی آیا کسانی که می‌دانند آن مشرکان لجوج و کوردل با این مؤمنان پاک و روشن ضمیر و مخلص نابرابرند با کسانی که از این واقعیت روشن آگاه نیستند، مساویند؟ به هر حال این جمله که با استفهام انکاری شروع شده و جزء شعارهای اساسی اسلام است، عظمت مقام علم و عالمان را در برابر جاهلان روشن می‌سازد و از آنجاکه این نابرابری به صورت مطلق ذکر شده، معلوم می‌شود این دو گروه نه در پیشگاه خداوند و نه در نظر خلق آگاه، نه در دنیا در یک صف قرار دارند و نه در آخرت، نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۹۵).

این نوع کاربرد معنایی - منظوری را می‌توان در شعر فارسی زیر مشاهده کرد:

صلاح کار کجا و من خراب کجا؟      بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا؟ (حافظ)  
۵-۹. تعجب: از دیگر کارکردهای منظوری استفهامات قرآنی است که خالق وحی با شیوه‌ای زیبا از ساختار دستوری پرسش برای بیان تعجب و اظهار شگفتی از منظره خاص، خبری جالب یا وقوع حادثه‌ای غیرمنتظره بهره گرفته است. آیه شریفه ذیل در چارچوب نظریه کنش گفتاری، بیانگر همین نقش معنایی - منظوری است:

«وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا: و گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، چرا فرشته‌ای با او فرستاده نشده است که همراه او هشداردهنده باشد» (فرقان: ۷).

کافران بر سبیل طعن و استهزا می‌گفتند: این چه پیغمبری است که مانند ما غذا می‌خورد و در بازارها برای کسب معاش رفت و آمد می‌کند؛ چرا فرشته‌ای به‌طور محسوس بر او نازل نمی‌شود تا گواه راستگویی او باشد و مردم را بترساند و آنچه او می‌گوید فرشته تصدیق نماید (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۸).

این نوع کاربرد معنایی - منظوری را می‌توان در شعر فارسی زیر ملاحظه نمود:

بدین شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم      که سرتاپای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد؟

۵-۱۰. **تعجیل:** از دیگر کارکردهای معنایی و توان منظوری استفهام‌های قرآنی است که بیانگر عجله و شتاب سائل است. بر اساس چارچوب نظری تحقیق، در آیه شریفه زیر که تعجیل منکران معاد در قالب استفهام بیان گردیده است، بیانگر نقش معنایی فوق است. «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» و می‌گویند: اگر راست‌گویید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود (ملک: ۲۵).

منظور از این وعده همان قیامت موعود است. در این جمله سخن کفار و منکران معاد را حکایت می‌کند که در آمدن آن عجله کردند؛ البته استعجالشان به منظور استهزا بوده است. حاصل جواب این است که علم به اینکه قیامت چه وقت می‌رسد، نزد خداست و غیر از خدای تعالی کسی را از آن آگاهی نیست؛ همچنان‌که خودش در جای دیگر قرآن فرموده: «لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفِيهَا إِلَّا هُوَ» و من به جز اینکه نذیری آشکار هستم مسئولیت و اختیاری ندارم، من تنها مامورم به شما خیر دهم که به‌زودی به سوی خدا محشور می‌شوید و اما اینکه چه وقت محشور می‌شوید، نمی‌دانم. این معانی از آیه و سیاقی که آیه در آن قرار دارد، یعنی سیاق سؤال و جواب استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۱۰).

شعر زیر بیانگر کاربرد این نقش معنایی است:

آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ‌پی کجاست؟ خون چکید از شاخ گل، باد بهاران را چه شد؟  
(حافظ)

۵-۱۱. **تعظیم:** در آیات استفهامی با این توان منظوری، خداوند حکیم می‌خواهد بزرگی چیزی یا کسی را برای مخاطبان کلام وحی معلوم بدارد. توان منظوری استفهام موجود در آیات ذیل بیانگر همین مطلب است:

«أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ \* وَلِسَانًا \* وَشَفَتَيْنِ \* وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ: آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ و یک زبان و دو لب؟ و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را بگزیند و راه شر را واگذارد؟]» (بلد: ۸-۱۰).

به این ترتیب در این چند جمله کوتاه به سه نعمت مهم مادی و یک نعمت بزرگ معنوی که همه از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی است، اشاره نموده است: نعمت چشم‌ها و

زبان و لبها از یک سو و نعمت هدایت و معرفت خیر و شر از سوی دیگر (مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۱۶).

مهم‌ترین نقش معنایی و توان منظوری آیات فوق در چارچوب رویکرد کنش گفتاری، در واقع بیان عظمت موهبت‌هایی است که خالق هستی به بندگانش عطا نمود و در قالب استفهام، ذهن مخاطبان را به این عظمت‌ها برمی‌انگیزاند. شعر زیر از مصادیق این نقش معنایی جملات پرسشی در فارسی است:

این راه را نهایت صورت کجا توان بست؟ کش صد هزار منزل بیش است در بدایت  
(حافظ)

۱۲-۵. یادآوری (تذکر): از دیگر کارکردهای معنایی - منظوری پرسش‌های قرآن است که خداوند آگاه به همه زمان‌ها و مکان‌ها یادآوری مطلب یا حادثه‌ای در گذشته را در قالب استفهام به مخاطب یا مخاطبان گوشزد نموده است تا آنان را از اهمیت آن موضوع آگاه کند یا از آن دور سازد. آیات زیر بیانگر این نوع کارکرد معنایی است:

«أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى: آیا خدا تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد» (ضحی: ۶).

این آیه و دو آیه بعد به بعضی از نعمت‌های بزرگی اشاره می‌کند که خداوند متعال به آن جناب انعام کرده بود؛ آری رسول خدا<sup>(ص)</sup> هنوز در شکم مادر بود که پدرش از دنیا رفت، و دو سال بود که مادرش درگذشت و هشت ساله بود که کفیل و سرپرستش و جدش عبدالمطلب از دنیا رفت که از آن به بعد تحت تکفل عمویش ابوطالب قرار گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۲۴).

بر پایه چارچوب نظری تحقیق، یادآوری حوادث گذشته به منظور عبرت‌گرفتن مخاطبان، در آیات فوق از دیگر کارکردهای معنایی - منظوری استفهامات قرآنی است. شعر زیر از نمونه‌های کاربرد این نقش معنایی در فارسی است:

نمی‌گفتی مرا روزی که ما را یار غاری تو؟ درون باغ عشق ما پایداری تو؟  
(مولوی)

۱۳-۵. ریشخند (تمسخر): گاهی اوقات هدف سائل، تکذیب یا تحقیر چیزی از طریق استهزا در قالب کارگفت‌های پرسشی است. این نوع کارکرد معنایی استفهام در آیه زیر قابل ملاحظه است:

«وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَآذَا قَالَ أَنفَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملاً گوش می‌دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم [اصحابت به تمسخر و اهانت] می‌گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟ اینان هستند که خدا بر دل‌هاشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند» (محمد: ۱۶).

این استفهام به منظور استهزا است. بعضی گفته‌اند: برای تحقیر است؛ تو گویی سخن حق در نظرشان پر از اباطیل بوده و اصلاً معنای درستی نداشته است. پس قلبی که محکوم طبع نبوده و بر طهارت فطری و اصلی خود باقی مانده باشد، در فهم معارف دینی و حقایق الهی درنگی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۵۷).

بر پایه چارچوب نظری تحقیق، مهم‌ترین کارکرد معنایی استفهام موجود در آیه فوق بیان تمسخر سخنان پیامبر<sup>(ص)</sup> توسط منافقان است که در قالب استفهام آمده است. نمونه آن در فارسی:

ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست؟ (حافظ)

کجا رفت آن مردی و گرز تو به رزم اندرون فره و بر ز تو؟ (فردوسی)

۱۴-۵. متوجه‌نمودن مخاطبان بر امری غیرممکن: «أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران [باطن] و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد (زخرف: ۴۰). در این آیه به عنوان تفریع و نتیجه‌گیری، رسول گرامی خود را متوجه می‌کند به اینکه این‌گونه افراد، کرها و کورهایی هستند که تو نمی‌توانی سخن حق را به ایشان بشنوانی و به راه رشد هدایتشان کنی؛ پس بیهوده خودت را به زحمت مینداز و در دعوت آنان پافشاری منما و از

اعراضشان اندوه مخور. چیزی که هست این معنا را به صورت استفهام انکاری بیان می‌فرماید. بقیه الفاظ آیه روشن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۵۵).  
نمونه آن در زبان فارسی:

چه داند و چه شناسد نوای بلبل مست کلاغ بهمنی و لک‌لک بیابانی؟ (مولوی)  
۱۵-۵. **تقریر و تثبیت:** یکی دیگر از کارکردهای معنایی - منظوری آیات استفهامی قرآن، اثبات مطلبی است که سائل و مخاطب هر دو آن را می‌دانند، گرچه ساختار چنین آیاتی، استفهامی است. تحلیل آیه زیر در چارچوب نظری تحقیق، بیانگر این نوع کارکرد معنایی است:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ: آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم» (شرح: ۱).  
منظور از «شرح صدر» در اینجا معنای کنایی آن است و آن، توسعه‌دادن به روح و فکر پیامبر است و این توسعه می‌تواند مفهوم وسیعی داشته باشد که هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان و مخالفان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۲۲).  
نمونه این کارکرد معنایی در شعر فارسی زیر است:

گر رود از پی خوبان دل من معذور است      درد دارد چه کند کز پی درمان نرود؟  
(حافظ)

۱۶-۵. **پند و عبرت:** از دیگر کارکردهای منظوری استفهامات قرآنی است که خداوند حکیم در قالب جملات استفهامی مخاطبان را با ذکر سرنوشت اقوام پیشین و فرجام زندگی دنیوی و پیشامدهای گوناگون پند می‌دهد و خواستار عبرت است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ: آیا ندیدی که خدای تو با عاد (قوم هود) چه کرد» (فجر: ۶).

بر اساس چارچوب نظری تحقیق، توان منظوری آیه فوق، ایجاد زمینه ذهنی مخاطبان برای پند و عبرت‌گرفتن از سرنوشت اقوام گذشته است. این خطاب به پیغمبر<sup>(ص)</sup> و تنبیه کفار است بنا بر آنچه را خدای سبحان به امت‌های گذشته نموده، هنگامی که کافر به خدا

و پیامبران او شدند؛ حال آنکه عمرهای ایشان طولانی‌تر و نیرویشان سخت‌تر بود و عاد قوم حضرت هود<sup>(ع)</sup> بودند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۷، ص ۶۸).

شعر فارسی زیر از مصادیق کاربرد این نقش معنایی است:

آن قصر که جمشید درو جام گرفت      آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت  
بهرام که گـور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

(خیام)

۲۷

ذهن

کارکردهای معنایی و توان منظوری - جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه «کنش گفتاری»

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه زبان‌شناختی «کنش گفتاری» به تحلیل ساختارهای استفهامی زبان قرآن پرداخته است. گرچه گستردگی این ساختارها در این پژوهش مختصر نمی‌گنجد، در این مقاله که به دنبال کشف نقش‌های معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم بوده است، به شیوه علمی تحلیلی - توصیفی و به روش کتابخانه‌ای تعدادی از آیات استفهامی قرآن کریم (در محدوده ۱۵ جزء دوم از آیه شریفه ۷۵ سوره کهف تا پایان سوره مبارکه ناس) گردآوری شد، با تحلیل و توصیف آنها در چارچوب رویکرد حاضر، نتایج ارزشمندی حاصل گردیده است؛ از جمله اینکه کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی در قرآن از تنوع خاصی برخوردارند و خداوند حکیم از میان مقولات دستوری پرکاربرد در زبان‌ها از قبیل خبری، پرسشی، امری و تعجبی در بیشتر موارد برای تأثیر و تقویت کلام وحی در ذهن و اندیشه مخاطبان و ایجاد آمادگی ذهنی آنان برای فهم تعالیم دینی و آموزه‌های اخلاقی این کتاب آسمانی، قالب پرسشی را برگزیده است.

همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بیشتر موارد جملات استفهامی قرآن در نقش‌های معنایی - منظوری اولیه خود به کار نرفته‌اند؛ بنابراین رابطه مستقیمی میان صورت دستوری یا ساختار نحوی و کارکرد معنایی - منظوری آنها برقرار نمی‌شود. به عبارت دیگر خداوند آگاه به همه امور هستی از جملات استفهامی برای نقش‌های معنایی - منظوری متعدد از جمله انکار، نفی، نهی، توبیخ، تحقیر، تهدید، ترغیب، تعجب، تعجیل، تعظیم،

تذکر، تمسخر و تقریر به گونه‌ای حکیمانه در قرآن بهره گرفته است. در نهایت نتایج تحقیق مؤید این است که ادوات استفهامی متعددی از قبیل همزه و اشکال مختلف آن، متی، این، هل، من، لعل، کیف، کم، ألم، لم، ما و ماذا در ساختن استفهامات قرآنی به کار رفته‌اند.

### منابع و مأخذ

\* قرآن کریم.

۱. آقاحسینی، حسین، محمود براتی و فاطمه جمالی؛ «اهمیت پرسش در متون عرفانی»؛ کاوش‌نامه، سال دوازدهم، ش ۲۲، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱-۱۶۰.
۲. برومند، محمدحسین، مجید معارف و حسین رجبزاده؛ «بررسی مبانی پرسشگری در قرآن کریم با تأکید بر اهم معانی استفهام»؛ پژوهش دینی، ش ۱۲، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱-۱۹۶.
۳. بهروز، اکبر؛ «ادات و اغراض استفهام»؛ پژوهش‌های فلسفی، ش ۱۲۱، ۱۳۵۶، ص ۲۱-۴۰.
۴. بروجردی، سیدمحمدابراهیم؛ تفسیر جامع؛ چاپ ششم؛ تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶.
۵. جرجانی، عبدالقاهر؛ دلائل الاعجاز؛ ترجمه محمد رادمنش؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۶. حافظ، شمس‌الدین؛ دیوان اشعار؛ تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی؛ تهران: زوار، ۱۳۶۲.
۷. حسینی، سیدمرتضی؛ «استفهام قرآنی از نگاه مصادر علوم ادبی»؛ حسنا، ش ۱۲، ۱۳۹۱، ص ۹-۴۵.
۸. رحیمیان، جلال و کاظم شکری احمدآبادی؛ «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»؛ مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال سی و پنجم، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۳۴.
۹. رحیمیان، جلال و هوشنگ مددی؛ «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در شاهنامه»؛ فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال هجدهم، ش ۷۴، ۱۳۷۸، ص ۵۰-۹۰.
۱۰. شفیعی، محمود؛ شاهنامه و دستور؛ تهران: انتشارات نیل، ۱۳۴۳.
۱۱. گیرتس، دیرک؛ نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی؛ ترجمه کورش صفوی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۹۵۵م.
۱۲. طاهری، حمید؛ «سؤال و اغراض ثانوی آن در غزلیات حافظ»؛ مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال هفدهم و هجدهم، ش ۶۸-۶۹، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، ص ۸۷-۱۱۸.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.



۱۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.

۱۵. عبدالرؤف، حسین؛ سبک شناسی قرآن؛ ترجمه پرویز آزادی؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۷. یول، جورج؛ کاربردشناسی زبان؛ ترجمه محمد عموزاده مهدیریجی و منوچهر توانگر؛ چاپ پنجم، تهران: سمت، ۱۹۹۶م.

18. Austin, J.L.; **How to do thing with words**; Oxford: Clarendon Press, 1962.

19. Holmes, J.; **An Introduction to sociolinguistics**; Longman Group UK, 1993.

20. Searl, J.R.; **Speech Acts**; Cambridge: Cambridge University Press, 1969.

21. Larson, M.L.; **Meaning –based translation: A Guide to cross language**; New York: University press of American, 1984.

22. Levinson, S.; **Pragmatics**; Cambridge University Press, 1983.

۶  
بہار

تابستان ۱۳۹۴ / شماره ۶۲ / الخاص و بیسی ، غلامحسین اورکی